



## سخن نخست

## پویا و کیلی

# با تصمیمات شبیه دیروز نمی توان فردای بهتر ساخت

گاهی بزرگترین مانع پیشرفت ما، نه کمبود امکانات است، نه دشواری شرایط و نه حتی اشتباهاتی که در گذشته مرتکب شده‌ایم؛ بلکه اصرار بر ادامه دادن راهی است که بارها نادرستی آن را تجربه کرده‌ایم. ما گاهی آنقدر به شیوه‌های آشنا، باورهای قدیمی و تصمیم‌های گذشته وابسته می‌شویم که فراموش می‌کنیم جهان تغییر کرده است و آنچه دیروز پاسخ‌گو بود، لزوماً امروز نیز کارآمد نیست.

انسان به‌طور طبیعی به چیزهایی که می‌شناسد اعتماد بیشتری دارد. روش‌های قدیمی برایمان آشناترند، تصمیم‌های گذشته به ما احساس اطمینان می‌دهند و تغییر، حتی اگر ضروری باشد، با نگرانی و تردید همراه است. به همین دلیل، گاهی ترجیح می‌دهیم در شرایطی آشنا امان‌عقلوب باقی بمانیم تا اینکه راهی تازه را امتحان کنیم که نتیجه آن را نمی‌دانیم.

اما مسئله اینجاست که زندگی منتظر تصمیم ما برای تغییر نمی‌ماند. جامعه تغییر می‌کند، فناوری مسیرهای تازه‌ای پیش روی ما می‌گذارد، روابط انسانی دستخوش تحول می‌شوند و شرایط اقتصادی و اجتماعی شکل دیگری پیدا می‌کنند. در چنین جهانی، اصرار بر ثابت ماندن، الزاماً نشانه استواری نیست؛ گاهی تنها نام دیگری برای عقب ماندن است.

اساساً یکی از خطاهای رایج در زندگی فردی و اجتماعی این است که تصور می‌کنیم برای رسیدن به نتایج متفاوت، کافی است همان کارهای گذشته را با شدت و فشار بیشتری تکرار کنیم. اگر روش قبلی نتیجه نداده، بیشتر تلاش می‌کنیم؛ اگر ارتباطی به بن‌بست رسیده، همان شیوه گفت‌وگو را ادامه می‌دهیم؛ اگر تصمیمی بارها ما را با مشکل مواجه کرده، به‌جای بازنگری در آن، به دنبال مقصر تازه‌ای می‌گردیم.

درحالی که گاهی مسئله، کمبود تلاش نیست؛ مسئله، نادرستی مسیر است.

کسی که سال‌ها در یک مسیر اشتباه حرکت کرده، صرفاً با سریع‌تر دویدن به مقصد درست نمی‌رسد. پیش از هر چیز باید بپذیرد که شاید لازم باشد مسیرش را تغییر دهد. این پذیرش، نه اعتراف به ناتوانی، بلکه نشانه‌ای از بلوغ فکری است؛ زیرا توانایی تشخیص اشتباه و شجاعت اصلاح آن، گاهی ارزشمندتر از سال‌ها پافشاری بر تصمیمی نادرست است.

این موضوع در زندگی شخصی ما نیز به‌روشنی دیده می‌شود. ممکن است سال‌ها باوری درباره موفقیت، خوشبختی یا روابط انسانی داشته باشیم که دیگر با واقعیت‌های زندگی هماهنگ نباشد. شاید در گذشته تصور می‌کردیم موفقیت صرفاً در داشتن درآمد بیشتر خلاصه می‌شود، اما به‌مرور درمی‌یابیم که آرامش، سلامت، روابط انسانی و احساس رضایت نیز بخش مهمی از کیفیت زندگی هستند. شاید زمانی فکر می‌کردیم برای حفظ یک رابطه باید از تمام خواسته‌های خود چشم‌پوشی کنیم، اما بعدها متوجه می‌شویم که رابطه سالم بدون احترام متقابل و گفت‌وگوی صادقانه دوام نمی‌آورد. رشد از جایی آغاز می‌شود که به خودمان اجازه بدهیم در باورهای گذشته تجدیدنظر کنیم؛ بی‌آنکه احساس کنیم با تغییر یک عقیده، تمام گذشته خود را انکار کرده‌ایم.

ما مجبور نیستیم تا پایان عمر از تمام تصمیم‌هایی دفاع کنیم که در سال‌های گذشته گرفته‌ایم. انسان حق دارد پیاموزد، اشتباه کند، تجربه به دست آورد و با استفاده از همان تجربه‌ها، مسیر تازه‌ای انتخاب کند. گذشته قرار است معلم ما باشد، نه زندانی که اجازه حرکت را از ما بگیرد.

باین‌حال، تغییر تنها مسئله افراد نیست. جوامع نیز گاهی در دام همین چرخه گرفتار می‌شوند؛ چرخه‌ای که در آن، مشکلات تازه با نسخه‌های قدیمی پاسخ داده می‌شوند و انتظار می‌رود نتایج متفاوتی به وجود بیاید.

وقتی مسئله‌ای اجتماعی بارها تکرار می‌شود، وقتی یک سیاست به نتیجه مورد انتظار نمی‌رسد یا وقتی شیوه‌ای از مدیریت نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای جدید باشد، نخستین پرسش باید این باشد که چه چیزی در روش ما نیازمند بازنگری است. آیا مسئله را درست شناخته‌ایم؟ آیا مراحل انتخاب‌شده با واقعیت‌های امروز تناسب دارد؟ آیا صلا‌ی کسانی را که تصمیم‌ها با این مشکلات روبه‌رو هستند، شنیده‌ایم؟ و مهم‌تر از همه، آیا آمادگی داریم بپذیریم که ممکن است اراحل مورد علاقه ما، اراحل مناسبی نباشند؟

جامعه‌ای که امکان نقد، گفت‌وگو و اصلاح را فراهم می‌کند، شانس بیشتری برای یادگیری و پیشرفت دارد. در مقابل، هرگاه دفاع از تصمیم‌های گذشته به مسئله‌ای مهم‌تر از اصلاح اشتباهات تبدیل شود، انرژی جامعه به‌جای حل مشکلات، صرف توجیه آن‌ها خواهد شد.

هیچ فرد، سازمان یا جامعه‌ای از خطا مصون نیست. تفاوت اصلی در این نیست که چه کسی هرگز اشتباه نمی‌کند؛ تفاوت در این است که چه کسی از اشتباه خود درس می‌گیرد و چه کسی برای حفظ ظاهر، همان اشتباه را تکرار می‌کند.

در این میان، باید میان پافشاری بر اصول و اصرار بر روش‌ها تفاوت قائل شد. داشتن اصول روشن، برای زندگی فردی و اداره جامعه ضروری است؛ اما هیچ ضرورتی وجود ندارد که برای پایبندی به یک هدف، همواره از یک روش استفاده کنیم. ممکن است هدف ما عدالت باشد، اما برای تحقق آن به شیوه‌های مؤثرتری نیاز داشته باشیم. ممکن است بخواهیم پیشرفت اقتصادی باشیم، اما ابزارها و تصمیم‌های گذشته دیگر ظرفیت پاسخ‌گویی به نیازهای امروز را نداشته باشند. ممکن است بخواهیم خانواده‌ای آرام‌تر، محیط کاری سالم‌تر یا جامعه‌ای امیدوارتر داشته باشیم، اما رسیدن به این اهداف مستلزم تغییر در رفتارها و نگرش‌های باشد که سال‌ها به آن‌ها عادت کرده‌ایم.

ثبات در ارزش‌ها می‌تواند نشانه شخصیت باشد، اما انعطاف در روش‌ها نشانه خردمندی است.

از سوی دیگر، تغییر نباید بهانه‌ای برای کنار گذاشتن تجربه‌های گذشته باشد. هر آنچه از گذشته به دست آمده، الزاماً بی‌ارزش نیست. بسیاری از تجربه‌ها، سنت‌ها و دستوردهای نسل‌های پیشین همچنان می‌توانند راهگشا باشند. مسئله، انتخاب آگاهانه میان آن چیزی است که باید حفظ شود و آن چیزی که برای ادامه مسیر نیازمند اصلاح است.

قرار نیست هر چیز قدیمی را کنار بگذاریم یا هر پدیده جدیدی را بدون بررسی بپذیریم. نو بودن به‌تنهایی نشانه درست بودن نیست، همان‌طور که قدیمی بودن نیز به‌تنهایی دلیلی برای نادرست بودن محسوب نمی‌شود. معیار اصلی باید کارآمدی، تناسب با شرایط، احترام به ارزش‌های انسانی و توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای واقعی باشد.

در زندگی فردی نیز تغییر نباید به تصمیمی هیجانی و بدون برنامه تبدیل شود. گاهی ما از شرایط موجود خسته می‌شویم و تصور می‌کنیم تنها راه نجات، کنار گذاشتن همه‌چیز و شروعی کاملاً تازه است. اما بسیاری از تغییرات مؤثر، نه با تصمیم‌های ناگهانی، بلکه با اصلاحات کوچک، مستمر و آگاهانه شکل می‌گیرند. کسی که می‌خواهد وضعیت مالی خود را بهبود دهد، شاید پیش از هر تصمیم بزرگ به بازنگری در شیوه هزینه کردن، افزایش مهارت‌ها و شناخت فرصت‌های تازه نیاز داشته باشد. کسی که از روابط خود ناراضی است، شاید لازم باشد پیش از قطع ارتباط‌ها، شیوه گفت‌وگو، مرزبندی و انتظاراش را بررسی کند. کسی که احساس می‌کند در زندگی متوقف شده است، شاید بیش از آنکه به یک اتفاق بزرگ نیاز داشته باشد، به تغییر چند عادت روزمره نیازمند باشد.

توسعه فردی دقیقاً از همین نقطه آغاز می‌شود: از پذیرفتن این واقعیت که مسئولیت بهبود زندگی خود را نمی‌توانیم به‌طور کامل به دیگران، شرایط یا اتفاقات بیرونی واگذار کنیم. ما همیشه کنترل همه عوامل را در اختیار نداریم، اما اغلب می‌توانیم در شیوه اندیشیدن، تصمیم گرفتن و واکنش نشان دادن خود تجدیدنظر کنیم.

البته نباید از این واقعیت نتیجه گرفت که تمام مشکلات با تغییر نگرش فردی حل می‌شوند. مشکلات اقتصادی، محدودیت فرصت‌ها، نابرابری‌های اجتماعی و موانع ساختاری و واقعیت‌هایی هستند که نمی‌توان آن‌ها را صرفاً به کمبود تلاش یا اشتباه در طرز فکر افراد نسبت داد. گاهی تغییر فردی ضروری است، اما امری حل مسئله، اصلاح سیاست‌ها، بهبود ساختارها و فراهم کردن فرصت‌های عادلانه نیز ضرورت دارد.

نگاه واقع‌بینانه آن است که نه خود را در برابر تمام مشکلات ناتوان بدانیم و نه تصور کنیم همه مشکلات تنها با اراده شخصی برطرف می‌شوند. باید سهم شرایط را بشناسیم و درعین‌حال، از سهم خودمان در ایجاد تغییر غافل نمانیم.

شاید یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که امروز باید از خود پرسیم، این باشد: کدام بخش از زندگی ما تنها به این دلیل ادامه دارد که سال‌هاست به آن عادت کرده‌ایم؟ کدام باور را حفظ کرده‌ایم، فقط چون پذیرفتن اشتباه بودن آن دشوار است؟ کدام روش را تکرار می‌کنیم، درحالی که شواهد کافی از ناکارآمدی آن در اختیار داریم؟

این پرسش‌ها می‌توانند در سطح فردی مطرح شوند، اما ارزش آن‌ها به زندگی شخصی محدود نیست. هر خانواده، سازمان و جامعه‌ای که می‌خواهد آینده بهتری بسازد، باید بتواند گذشته خود را بدون تعصب بررسی کند؛ دستوردهایش را بشناسد، از اشتباهاتش درس بگیرد و برای اصلاح مسیر، شجاعت کافی داشته باشد.

ما نمی‌توانیم گذشته را تغییر دهیم، اما می‌توانیم اجازه ندهیم گذشته، تمام انتخاب‌های آینده ما را تعیین کند. نمی‌توانیم اشتباهات دیروز را پاک کنیم، اما می‌توانیم از تکرار آن‌ها جلوگیری کنیم. نمی‌توانیم همه شرایط را مطابق میل خود بسازیم، اما می‌توانیم برای مواجهه بهتر با شرایط موجود، آگاهانه‌تر تصمیم بگیریم.

فردا از راه خواهد رسید، چه برای آن آماده باشیم و چه نباشیم. پرسش این است که آیا ما نیز برای مواجهه با فردا آماده شده‌ایم یا همچنان می‌خواهیم با همان نگاه، همان عادت‌ها و همان تصمیم‌هایی به استقبال آن برویم که بارها محدودیت‌هایشان را تجربه کرده‌ایم؟

آینده بهتر، صرفاً نتیجه آرزوهای بزرگ‌تر نیست؛ حاصل یادگیری عمیق‌تر، تصمیم‌های سنجیده‌تر و آمادگی برای اصلاح اشتباهات گذشته است. اگر می‌خواهیم زندگی شخصی، محیط کار و جامعه‌مان شرایط بهتری پیدا کند، باید از خودمان شروع کنیم و درعین‌حال، ضرورت اصلاح ساختارها و روش‌های ناکارآمد را نیز جدی بگیریم. در نهایت، پیشرفت از جایی آغاز می‌شود که به‌جای دفاع همیشگی از آنچه بوده‌ایم، به این فکر کنیم که چه چیزی را می‌توانیم بهتر کنیم. گاهی برای ساختن آینده‌ای متفاوت، به امکانات خارق‌العاده یا فرصت‌هایی استثنایی نیاز نداریم؛ به این شجاعت نیاز داریم که بپذیریم برخی راه‌ها دیگر ما را به مقصد نمی‌رسانند.

فردا را نمی‌شود با دیروز ساخت؛ اما می‌توان از تجربه‌های دیروز آموخت، در امروز تصمیمی آگاهانه گرفت و فردایی متفاوت بنا کرد.

پزشکیان در پیامی به رویداد ملی ایران جان:

# شناخت ایران، از آشنایی با مردمان آن آغاز می‌شود



به‌عنوان یک ملت می‌انجامد. هرچه با تاریخ، فرهنگ، تجربه‌ها، امیدها و توانایی‌های یکدیگر آشناتر شویم، درک روشن‌تری از هویت مشترک و سرمایه‌های ملی خود خواهیم داشت. از این منظر، معرفی استان‌ها و روایت زندگی و تلاش مردم آن‌ها، محالی برای تقویت خودباوری و درک عمیق‌تر پیوندهایی است که ما را در سرنوشت ایران به یکدیگر متصل می‌کند. معرفی میراث تاریخی و فرهنگی، آیین‌های بومی، جاذبه‌های طبیعی، توانمندی‌های اقتصادی و سرمایه‌های انسانی مناطق مختلف میهن عزیزمان افزون بر پاسداشت هویت های محلی می‌تواند زمینه‌ساز گسترش همکاری‌ها، شناخت دقیق‌تر فرصت‌ها و نیازها، و بهره‌مندی متوازن‌تر از امکانات کشور باشد. ایران زمانی می‌تواند از همه توان خود برای پیشرفت بهره گیرد که هیچ منطقه‌ای از دایره توجه بیرون نماند و استعدادها و فرصت‌های نهفته در سراسر آن، مجال بروز و شکوفایی پیدا کنند. باور داریم ایران‌جان می‌تواند با روایت صادقانه و شایسته زندگی، فرهنگ، توانمندی‌ها و مطالبات مردم سراسر کشور، به افزایش آگاهی متقابل و تقویت همدلی میان ایرانیان یاری رساند و پایه‌های وفاق ملی را استحکام بخشد. لازم می‌دانم از دست‌اندرکاران این برنامه ارزشمند، به‌ویژه وزارت کشور، استانداری‌ها، سازمان صداوسیما و همه عوامل تولید‌هنرمندان، کارشناسان، نویسندگان و فعالانی که برای معرفی شایسته مناطق مختلف ایران تلاش می‌کنند، صمیمانه قدردانی کنم. امیدوارم ایران‌جان، با تداوم و گسترش این مسیر، به آشنایی بیشتر ایرانیان با یکدیگر، پاسداشت گوناگونی فرهنگی، تقویت خودباوری ملی و توجه شایسته به قابلیت‌ها و نیازهای همه استان‌ها کمک کند و زمینه را برای مشارکت گسترده‌تر مردم در ساختن آینده‌ای آبادتر، عادلانه‌تر و برخوردار از فرصت‌های برابر فراهم آورد. آینده ایران، در گرو بهره‌گیری از همه سرمایه‌های انسانی و فرهنگی این سرزمین و باور به توانایی مردمانی است که سرنوشت مشترک دارند. پاسداشت این میراث گران‌بها و فراهم آوردن زمینه شکوفایی ظرفیت‌های همه مناطق کشور، مسئولیتی ملی و رسالتی مشترک در برابر نسل امروز و فردای ایران است.

## سخنگوی دولت: مدیران باید همکاران خود را شرکای راهبردی بدانند

سخنگوی دولت در جمع مدیران کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی کشور با اشاره به گستردگی مسئولیت‌های این وزارتخانه، از مدیران خواست بر انجام مأموریت‌های خود تمرکز کنند و نسبت به بهبود خدمات و ارتقای رفاه اجتماعی اهتمام داشته باشند.

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت در دومین نشست تخصصی مدیران کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی با قدردانی از اقدامات مدیران و کارکنان این وزارتخانه، بر ضرورت اولویت‌بندی پروژها، مدیریت مصرف انرژی و تکریم ارباب‌رجوع تأکید کرد. مهاجرانی با بیان اینکه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از مجموعه‌های برخوردار تا نیازمندترین افراد جامعه را تحت پوشش دارد و به‌زیستی، یارانه‌ها، کالابرگ و خدمات بیمه‌ای تنها بخشی از موضوعات این وزارتخانه است به دستور رئیس‌جمهور برای کاهش مصرف انرژی در دستگاه‌های اجرایی اشاره کرد و گفت: رئیس‌جمهور به‌صراحت دستور داده همه دستگاه‌ها بین ۱۰ تا ۲۰ درصد صرفه‌جویی کنند و در شرایط کنونی افزایش تولید به‌تنهایی نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیاز فوری کشور باشد. یکی از راهکارهای در دسترس، صرفه‌جویی و مدیریت مصرف است تا ضمن کاهش فشار بر شبکه انرژی، امکان فعالیت صحیح صنایع نیز فراهم بماند. وی اظهار کرد: مدیران باید همکاران خود را شرکای راهبردی بدانند و برای آن‌ها شأنیت قائل شوند. این موضوع به‌ویژه در وزارتخانه‌هایی مانند وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اهمیت دارد زیرا بخش مهمی از فعالیت‌های این مجموعه با مسائل انسانی و اجتماعی پیوند خورده است و از اینکه در این مجموعه به انتظارات ذی‌نفعان و ایجاد رضایتمندی توجه جدی شده، بسیار تشکر می‌کنم.

### نوبت سوم

به استحضار می‌رساند خودروی پژو پارس سفید به شماره پلاک ۲۹۸ م ۸۸ ایران ۵۰ به شماره شاسی NAANA۱۵E۶PHA۹۳۷۷۶ و شماره موتور ۱۲۵K۰۲۰۱۷۱۷ بنام ثریا راعی در تاریخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۸ در محل تهران اتوبان علامه جعفری شرق به غرب بعد از بلوار جوانمردان خروجی اندیشه شمالی روبروی مجتمع آرامیس مورد سرقت قرار گرفته است.

خواهشمند است در صورت مشاهده خودرو به پلیس ۱۱۰ یا شماره تلفن ۰۹۱۲۹۶۲۳۶۱۱ به نام روح الله خوشرفقار یا ۰۹۱۲۹۶۲۳۶۱۵ بنام ثریا راعی اطلاع‌رسانی فرمایید.

باتشکر

۱۲۴

مخاطب محترم آقای مجتبی کاشف حقیقی به نشانی مجهول المکان به اطلاع می‌رساند: همسر سابق شما خانم ایدا حشیری جهت اجرای دادنامه ۱۴۰۵۶۸۳۹۰۰۶۶۴۰۷۲۱ به این دفتر مراجعه و تقاضای ثبت طلاق را نمودند. طلاق شما ذیل شماره ۴۸۳۶ مورخ ۱۴۰۵/۷/۲۹ دفتر طلاق ۶۹ تهران به ثبت رسیده است. لطفاً با ارائه شناسنامه نسبت به ثبت آن اقدام نمایید.

هادی غلامی- سردفتر ازدواج و طلاق ۱۷۱ تهران آدرس دفتر خانه: تهران، شهرک غرب، بلوار دادمان پلاک ۸۸ طبقه ۵ تلفن: ۰۲۱۸۸۵۶۲۲۸۵

کد ۳۲